

## نگاه

## گل بود به بُزای نیز آراسته شد!

مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: متأسفانه مصرف ماده مخدر گل یا حبشیش مصنوعی که اثر آن ۱۰۰ تا ۱۵۰ برابر حبشیش است، در میان دختران و زنان کشور افزایش یافته است که این موضوع بسیاری نگران کنندگان است.

گذشته از هر نوع آمار و ارقام رسمی و غیررسمی، مسئولان و پژوهشگران به دنبال دلایل واقعی روند صعودی مصرف مواد مخدر در میان زنان هستند. دکتر فرید براتی، رئیس کل پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی معتقد است: تا زمانی که تعریف مشخص و درستی از زن ایرانی نداشته باشیم، نگاهمان را تغییر ندهیم، نمی‌توانیم از اعتیاد زنان پیشگیری کنیم.

دکتر فرید براتی سنده درباره نگرانی‌هایی که نسبت به استفاده زنان از ماده گل وجود دارد و همچنین درباره این مخدر توضیح داد: در حبشیش دو ماده وجود دارد که یکی از آن دو خاصیت درمانی دارد و می‌تواند اثرات ماده دیگر حبشیش را که با توهم و تشنگی همراه هست کاهش دهد.

دکتر مستنار روبرو می‌گوید: در میان زنان ۱۰ درصد از معتنان کشور را تشکیل می‌دهند. این ۱۰ درصد بیش از همه در حد فاصل ۲۰ تا ۳۶ سالگی قرار دارند، اما سن خطر برای شروع مصرف مواد مخدر در میان زنان ۱۵ تا ۱۹ سال است. جدای از این آمار، بسیاری معتقدند میزان اعتیاد زنان تا حدود زیادی پنهان است. چرا که اعتیاد زنان ممکن است به دلایل متفاوت اجتماعی و فرهنگی چندان مشخص نشود.

دکتر سعید صفاتیان، رئیس کار گروه کاهش تقاضای اعتیاد کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: در حالی که این ماده به دست توزیع کنندگان و مردم رسیده بود، طریقی آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر که بر گزیده تهرانی داشتن فرزند را ضروری نشانده خوشبختی زن ندانسته و وجود فرزند را در احساس تاثیر گذار نمی‌دانند. بنابر این امروزه خانواده‌ها (به خصوص در کلانشهرها) به سوی کاهش تعداد فرزندان پیش می‌روند و انواع جدیدی از خانواده در حال ظهور است که در آنها فرزند وجود ندارد یا به حداقل خود می‌رسد. تا بدانجا که در سال ۲۵۰۹۰۰ درصد از خانواده‌های تهرانی فاقد فرزند بوده و ۷۵ درصد از آنها نیز فاقد نوه هستند.

چنین خانواده‌هایی در گذشته به صورت اختیاری در جامعه ایران وجود نداشته اما در سال‌های اخیر خانواده به صورت تعمدی تا تأخیر در فرزندآوری مواجه است. بنابر این فرزندآوری چینی ناخواسته و اتفاقی بودن خود را از دست داده و به امری عقلانی و زمانمند، قابل برنامه‌ریزی تبدیل شده که زمان و تعداد آن را زوجین آگاهانه تعیین کرده و تجربه مطالبه‌های مدرن به نظر می‌رسد که در چند دهه اخیر در ایران نیز طرفدارانی یافته است به طوری که مقایسه‌های ساده میان نسل‌های گذشته نشان می‌دهد که هرچه به امروز نزدیک‌تر می‌شویم از میزان اهمیت فرزند در خانواده کاسته می‌شود. علی‌احمدی براساس یافته‌های پژوهش خود اعلام می‌کند که میانگین تعداد فرزند در خانواده‌هایی که والدین ۵۵ ساله و بالاتر دارند برابر با ۴۳/۱ نفر است در حالی که این رقم در میان والدین

متعلق به گروه‌های سنی ۴۵-۴۴ و ۳۵-۴۴ به ترتیب ۲/۶۰ و ۲/۱۲ است و والدین متعلق به گروه سنی ۳۴-۲۵ به شعار تنها ۲ فرزند کافی است پایبند بوده و آن را عملیاتی کرده‌اند.

نتایج تحقیقات انجام شده ما را به این نظر می‌رساند که کاهش تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری در فضای امروز تهران می‌تواند نتیجه تغییر در الگوها و کلیشه‌های جنسیتی و به خصوص تغییر نقش زن در خانواده هم باشد زیرا کارکرد اصلی زنان در خانواده مدرن بر خلاف خانواده سنتی بارداری و پرورش فرزندان نیست بلکه زنان در جامعه مدرن به مثابه موجودات اجتماعی در فضای شهری هویتی متمایز و مستقل می‌یابند و آموزش علم، مهارت و اشتغال برای آنها اهمیتی همیای تشکیل خانواده دارد. حتی این مسأله تا بدانجا پیش‌رفته است که زنان به تنهاندانستن فرزند را تهدیدی برای زناشویی خود به حساب نمی‌آورند بلکه در بعضی از موارد زن نیز را ضروری نمی‌دانند برای مثال نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که ۴۷ درصد از خانواده‌های

تهرانی داشتن فرزند را ضروری نشانده خوشبختی زن ندانسته و وجود فرزند را در احساس تاثیر گذار نمی‌دانند. بنابر این امروزه خانواده‌ها (به خصوص در کلانشهرها) به سوی کاهش تعداد فرزندان پیش می‌روند و انواع جدیدی از خانواده در حال ظهور است که در آنها فرزند وجود ندارد یا به حداقل خود می‌رسد. تا بدانجا که در سال ۲۵۰۹۰۰ درصد از خانواده‌های تهرانی فاقد فرزند بوده و ۷۵ درصد از آنها نیز فاقد نوه هستند.

چنین خانواده‌هایی در گذشته به صورت اختیاری در جامعه ایران وجود نداشته اما در سال‌های اخیر خانواده به صورت تعمدی تا تأخیر در فرزندآوری مواجه است. بنابر این فرزندآوری چینی ناخواسته و اتفاقی بودن خود را از دست داده و به امری عقلانی و زمانمند، قابل برنامه‌ریزی تبدیل شده که زمان و تعداد آن را زوجین آگاهانه تعیین کرده و تجربه مطالبه‌های مدرن به نظر می‌رسد که در چند دهه اخیر در ایران نیز طرفدارانی یافته است به طوری که مقایسه‌های ساده میان نسل‌های گذشته نشان می‌دهد که هرچه به امروز نزدیک‌تر می‌شویم از میزان اهمیت فرزند در خانواده کاسته می‌شود. علی‌احمدی براساس یافته‌های پژوهش خود اعلام می‌کند که میانگین تعداد فرزند در خانواده‌هایی که والدین ۵۵ ساله و بالاتر دارند برابر با ۴۳/۱ نفر است در حالی که این رقم در میان والدین



## خانواده ایرانی در پیچ و خم تغییرات ارزشی

از کل جمعیت نیز عدم داشتن فرزند را شرایط ایده‌آل خود اعلام کرده‌اند که اگر چه درصد بالایی نیست اما نشان‌دهنده تحول ارزشی در زمینه فرزندآوری و باروری زنان است.

بنابراین گرایش به داشتن فرزند کمتر و زندگی بهتر، مطالبه‌های مدرن به نظر می‌رسد که در چند دهه اخیر در ایران نیز طرفدارانی یافته است به طوری که مقایسه‌های ساده میان نسل‌های گذشته نشان می‌دهد که هرچه به امروز نزدیک‌تر می‌شویم از میزان اهمیت فرزند در خانواده کاسته می‌شود. علی‌احمدی براساس یافته‌های پژوهش خود اعلام می‌کند که میانگین تعداد فرزند در خانواده‌هایی که والدین ۵۵ ساله و بالاتر دارند برابر با ۴۳/۱ نفر است در حالی که این رقم در میان والدین

دارای فرزند دبستانی تقسیم کنیم، نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که دو خانواده نخست که به واسطه نداشتن فرزند یا داشتن فرزندان متاهل، دغدغه و درگیری کمتری با فرزندان خود دارند. در مقایسه با دو خانواده دیگری که دایما و به‌طور روزمره با فرزندان خود ارتباط دارند از زندگی زناشویی خود راضی‌تر هستند.

علاوه بر این در پیمایشی که در سال ۸۸ انجام گرفته است از شهر و ندان تهرانی خواسته شده تا تعداد فرزندان ایده‌آل خود را اعلام کنند. در میان پاسخ‌ها بیشترین دوم رضایت قرار داشته و خانواده‌های دارای فرزند دبستانی در مرحله سوم قرار دارند. به تعبیری دیگری اگر خانواده‌های موجود در فضای تهران را بر حسب وضع فرزندان به چهار خانواده فاقد فرزند، دارای فرزند متاهل، خانواده‌های دارای فرزند نوجوان و خانواده‌های

## عکاس‌هایی برای وضع قانون منع کار کودکان



نداشتند، هاین هدف خود را «نشان دادن آنچه که باید تغییر کند» عنوان می‌کرد. این عکس مجبور بود در زکی به کارخانه‌ها برود یا خودش را با زبارس معرفی کند و اگر او را در حال عکاسی می‌دیدند، همیشه خطر کتک خوردن و برخورد جدی و خشن از سوی مدیران وجود داشت.

اون لاجوی، رئیس کمیته ملی کودکان کار آمریکا، در یادداشتی نوشت که احساس مسئولیت هاین برای جلب افکار عمومی و انجام اصلاحات، نسبت به سایر تلاش‌های صورت گرفته بیشتر و روش او موثر تر بوده است. تقاضا برای کودکان کار در نتیجه رشد یکبارہ صنعت در پایان قرن نوزدهم اتفاق افتاد. کارفرمایان برای نیروی کار ارزان‌تر، به سراغ کودکان می‌رفتند. از

هاین، این عکس‌ها را برای کمیته ملی کودکان می‌گرفت و تلاش‌های این کمیته بود که در نهایت توانست به وضع قوانین محکم‌تر کار و بازرگردانند تجربه روزهای کودکی به کودکان کار منجر شود. او با پیش از ۵۰۰۰ قطعه عکس، مجموعه مشاغل نوجوانان از جمله کار با برگ‌های تنباکو در کارخانه‌های سیسپه و پردو، دوخت و دوز در محیط‌های بسته و شرایط سخت و برداشت محصول پنبه یا توت را به تصویر کشید.

هاین با بازدید از کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی سراسر ایالات متحده از دختران و پسران خردسال و نوجوان مشغول به کار، عکس گرفت. بسیاری از آمریکایی‌ها پیش از دیدن عکس‌های او، درک و شناخت خوبی از شرایط دشوار این نوجوانان و کودکان

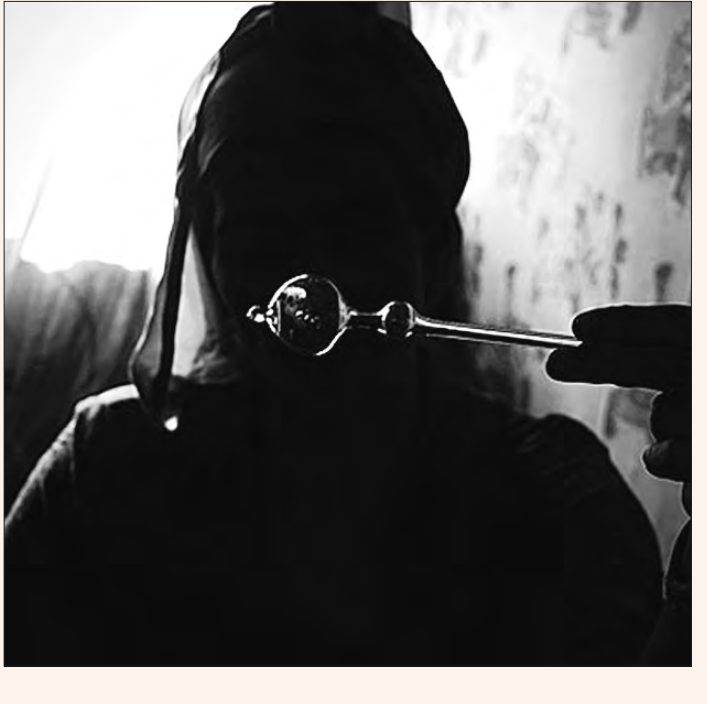
خانواده‌های امروزی، دیگر مثل قبل نیستند این جمله را اگر برای هر کسی بازگو کنیم بی‌گمان سری به نشانه تأیید تکان می‌دهد. بزرگترها با افسوس‌های می‌کشند و به مرور خانواده‌ای که در گذشته داشته‌اند و نقش کودکی خود می‌پردازند و کوچکترها بالبلندی بر لب و رضایت خاطر از این تغییرات، آن را تصدیق می‌کنند. اما ورود خانواده‌های ایرانی به چرخه تغییرات غیر قابل اجتناب چگونه خود را نشان می‌دهد؟

بر اساس یک پژوهش برخی از تغییرات ارزشی که طی سه نسل در ایران به وجود آمده و آن را از قالب سنتی بیرون آورده به این قرارند: کاهش ادواج‌های فامیلی، کاهش نفوذ خانواده در انتخاب همسر، گسترش بعضی از رفتارهای نامندسیگار کشیدن یا خوابیدن جلوی بزرگترها، ارتباطات زوج‌های جوان در مقابل آنها، عدم ترجیح فرزند پسر بر دختر، افزایش سواد مخصوصاً میان زنان، بالا رفتن سن ادواج و گسترش روابط پیش از ادواج، گسترش روابط خانوادگی و شغلی زنان با نامحرم، عدم تمایل نسل جوان به زندگی با والدین همسر. این تغییرات ارزشی همگی باعث شکل‌گیری انواع جدیدی از خانواده می‌شود. امروز می‌توانیم به یکی از این انواع برداریم. خانواده کم‌اصطلاحی است که در ارتباط با خانواده‌های بدون فرزند آن استفاده می‌شود.

### خانواده‌های کم - بدون فرزند

از مهم‌ترین مصداق فرودگرایی، تمایل به نداشتن فرزند کمتر و اهمیت یافتن کیفیت زندگی همسران به خودی خودی و فارغ از نهاد خانواده و فرزندان است. کاهش تعداد فرزندان و بعد خانواده تنها پدیده‌ای جمعیت‌شناختی نیست بلکه مهم‌تر از آن تحولی بنیادین در الگوی زندگی خانوادگی است.

نتایج یک پژوهش که روی ۱۲۰ زوج تهرانی در سال ۸۶ انجام شد، نشان داد خانواده‌هایی که فرزندان آنها از ادواج کرده و خانه را ترک کرده‌اند بیشترین میزان رضایت از زندگی زناشویی را داشته و خانواده‌هایی که فرزند نوجوان دارند کمترین میزان رضایت را دارند. خانواده‌هایی که بدون فرزند هستند در مرحله دوم رضایت قرار داشته و خانواده‌های دارای فرزند دبستانی در مرحله سوم قرار دارند. به تعبیری دیگری اگر خانواده‌های موجود در فضای تهران را بر حسب وضع فرزندان به چهار خانواده فاقد فرزند، دارای فرزند متاهل، خانواده‌های دارای فرزند نوجوان و خانواده‌های



عکس: خبرگزاری آری فارس

## تلاقی

## نرفتن به مهمانی؛ افسردگی است؟

می‌خواهد به این میهمانی و آن مسافرت برود ولی من برعکس او هستم و اصلاً حوصله میهمانی رفتن ندارم.

زن جوان ادامه داد: ما همیشه بر سر این موضوع با هم اختلاف داریم و مرتب در حال جنگ کردن هستیم. شوهرم همیشه مرا مسخره می‌کند و می‌گوید که خیلی اخلاق بدی دارم، او مرا یک زن افسرده و بی‌حوصله می‌داند که هیچ شور و اشتیاقی به زندگی کردن ندارم. در صورتی که من اصلاً افسرده نیستم و فقط دوست ندارم که مرتب در میهمانی‌ها و مسافرت‌ها باشم.

وی افزود: به نظر من این اصلا یک ایراد نیست و نمی‌دانم چرا شوهرم هر روز سر این موضوع با من جنگ و دعوا می‌کند. راستش از کارهای او خسته شدم و تصمیمی به جدایی گرفت.

می‌دانیم که زندگی کردن سبک‌های مختلفی دارد و هر کسی یک راه و روش خاص را برای زندگی انتخاب می‌کند. یکی از مسائلی که سبک زندگی هر فرد را نشان می‌دهد نحوه گذراندن اوقات فراغت است. برخی افراد اوقات فراغت خود را با کتاب‌خواندن و سینما رفتن می‌کنند. برخی دیگر ترجیح می‌دهند زمان خودشان را با دوستان و آشنایان بگذرانند. برخی دیگر از اینکه در منزل خودشان آرامش داشته باشند، راضی هستند و همین تفاوت‌ها می‌تواند علت اختلاف در یک خانواده باشد.

چندی پیش زن جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده در خواست طلاق داد و در خصوص علت آن به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم خیلی به میهمانی و مسافرت علاقه دارد و مرتب لاش



## اقتصاد منزل

## آموزش به فرزندان

حمله می‌کند یا حس کنند. آنها را تشویق کنید تا به جای خرج کردن سریع پول آن را پس‌انداز کنند. آنان راتر غیب کنید تا ببینند چگونه پس‌انداز درست یا نام‌استراتژی استفاده درست از پول مطالبات دارد.

به آنها نشان دهید چگونه پس‌انداز می‌کنند و چگونه این پول به شما کمک می‌کند تا به اهداف مالی که از طریق دیگر نمی‌توانید دست پیدا کنید، برسید. مثلاً برای یک لباس زیبای فاخر یا برای شام بیرون از منزل پس‌انداز کنید.

وقتی سال جدید تحویل‌رسی بودجه‌ای برای خرید در نظر بگیرید. برای او واضح توضیح دهید چه چیزهایی را با این پول می‌خرید و برای خرید آنها کمک کنید پیام‌هایی که به بچه‌ها برای خرید

الگوی خرج کردن و پس‌انداز کردن در هر گروه سنی با طبقه اجتماعی متفاوت است. کودکان، جوانان و نوجوانان هر کدام نیازهای خاص خود را دارند و به همین دلیل لازم است برای شناختن مفهوم پس‌انداز با آنها همراه شوید. زمانی که بچه‌ها به سن بلوغ می‌رسند، اغلب خرج کردن را از پس‌انداز کردن بیشتر دوست دارند. (بچه‌های خیلی زیادی در این سن علاقه به خرید دارند). حتی اگر اینگونه به نظر می‌رسد که فرزندان گوش نمی‌دهند، به صحبت کردن در مورد اهمیت پس‌انداز کردن ادامه دهید. در مورد تبلیغات و این که چگونه بچه‌ها را هدف قرار می‌دهند تا پول خرج کنند، حرف بزنید. به آنها کمک کنید پیام‌هایی که به بچه‌ها برای خرید

